

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

کبیر - کابل

۳۰ دسمبر ۲۰۱۷

مشت نمونه خروار از افغانستان اشغالی

۵

۲۰۱۷، سال خونین برای خبرنگاران! مؤسسه (نی، حمایت کننده رسانه های «آزاد») در گزارشی که به نشر رسانده، می گوید که سال ۲۰۱۷ یک سال خونین برای خبرنگاران بوده و در این سال ۱۴۱ مورد خشونت علیه خبرنگاران به ثبت رسیده که از آن جمله ۱۴ تن کشته و ۲۳ تن دیگر زخم برداشته اند. همچنان در این سال ۱۴ خبرنگار زندانی، ۲۱ خبرنگار لت و کوب و در ۶۹ مورد دیگر، خبرنگاران مورد تهدید و توهین قرار گرفته اند. به اساس آمار منتشره، ۶۲ مورد این خشونت ها مربوط به دولت وحشت ملی و ۴۲ مورد دیگر مربوط به طالبان، داعش و غیره گروه های جنایتکار و وحشی به ثبت رسیده است.

در کشوری که اطفال و زنان آن مورد فجیع ترین خشونت ها قرار می گیرند و روزانه ده ها طفل (همین چند روز پیش ۶ تن از اطفال معصوم و بیگناه در اثر ماین کارگذاری شده نزدیک مکتب شان به شهادت رسیدند) و زن این سرزمین با انواع جنایات ضد انسانی مواجه می گردند و هر روز اطفال معصوم آن در حملات انتحاری، انفجاری و جنگ به شهادت می رسند و در کشوری که ابتدائی ترین حقوق یک انسان در آن رعایت نمی گردد و قدرت سیاسی را مثنی خودفروخته و جنایتکار به دست گرفته و با استفاده از این موقعیت به انواع تخطی ها و خلاف ورزی ها تا سرحد جنایت دست می زنند، توقع رعایت حقوق خبرنگاری از سوی آنها و یا جنایتکاران طالبی، داعشی و یا شبکه حقانی یک توقع بیجا و بیمورد می باشد. ناگفته پیداست که «آزادی بیان» یک شعار خشک و بی محتوا بوده و هیچ یک از طرف های جنگ ساخته دست امپریالیزم حاضر نیستند به مفهوم واقعی کلمه این مقوله را رعایت نمایند. از جانب دیگر نباید از یاد برد که کمتر نهاد رسانه ئی فعال در افغانستان در نشر و پخش اخبار و سایر موضوعات سیاسی آزاد و مستقل اند و باقی تمامی نهاد های رسانه ئی به نحوی وابسته به استعمار، دولت مزدور، تنظیم های جنایتکار جهادی، احزاب سیاسی ثبت شده در وزارت عدلیه، طالبان جنایتکار، داعشی های خونخوار و غیره می باشند.

تبعید (گلم جم) وارد هشتمین ماه گردید: پس از آن که دوستم جنایتکار مشهور به (گلم جمع) همراه با محافظین خود، احمد ایشچی را مورد تعرض جنسی قرار داد و این عمل شنیع و زشت او از سوی ایشچی افضاء گردید، به صورت غیر

رسمی از سوی رهبری حکومت "غنی - عبدالله" به کشور ترکیه تبعید گردیده و از آن تاریخ به بعد که نزدیک به هشت ماه می گذرد، هرچه تلاش کرد نتوانست به کابل برگردد، چنان که در حدود چهار ماه پیش اشغالگران ناتوئی طیاره حامل این جنایتکار را اجازه نداد به میدان هوایی بلخ فرود آید و ناگزیر گردید دوباره به ترکیه برگردد. دوستم در تازه ترین سخنرانی خود ادعا دارد که کسانی علیه او توطئه چیده که نمی تواند به افغانستان برگردد و گفته که از گسترش روز افزون داعش در شمال افغانستان نگران است و احتمالاً جلوگیری از برگشت او به افغانستان با جابجائی داعش در شمال افغانستان رابطه نزدیک وجود دارد.

از نظر برخی تحلیلگران و کارشناسان سیاسی، دو جنگسالاری که ظاهراً در برابر نفوذ داعش در شمال افغانستان می توانند قرار بگیرند و مانع جابجائی داعش در ولایت های جوزجان، فاریاب، بلخ، کندز و خلاصه شمال گردند، یکی عطای دزد و جنایتکار و دیگر آن دوستم «گلم جمع» می باشند، اما این که آیا بین پروژه داعش از یک طرف و منظوری استعفای معلم عطاء و قضیه دوستم از جانب دیگر رابطه وجود دارند، باید گفت با شناختی که از معلم عطاء و دوستم در سرسپردگی، خودفروختگی، جاسوسی و وابستگی داریم، بعید به نظر می رسد که بین عطاء و دوستم و جابه جائی پروژه داعش در شمال افغانستان رابطه ای وجود داشته باشد، چراکه این دو خودفروخته به هر سازی که بدارانشان بزنند، می رقصند و جرأت ندارند که کوچکترین مخالفتی با معماران پروژه داعش از خود نشان دهند، پس هیچ نیازی به حذف این دو از شمال نزد طراحان پروژه داعش دیده نمی شود.*

پس از رد خواست های طالبان، هشت مرکز درمانی در بخش هائی از ولایت بادغیس مسدود گردید: پس از آن که مؤسسه (هیواد) که مسؤولیت رساندن خدمات صحی را به بخش هائی از ولایت بادغیس به عهده دارد، خواست طالبان را که شامل استخدام داکتران جراح، انجام عملیات ها و استخدام افراد طالب در مراکز درمانی و صحی ولسوالی های مقر، آب کمری و بالامرغاب ولایت بادغیس رد کرد، طالبان مزدور و جانی این مراکز را مسدود ساختند. با مسدود شدن این مراکز درمانی، خدمات صحی برای بیش از صد هزار باشندۀ این سه ولسوالی قطع گردیده و در حال حاضر مردم این ولسوالی ها با مشکلات عدیده صحی گرفتار اند. این عمل غیر انسانی و وحشیانه طالبان جنایتکار و مزدور نشان دهنده عمق دشمنی و ضدیت این گروه مزدور و وحشی با توده های زجر دیده و ستمدیده ولسوالی های مقر، آب کمری و بالا مرغاب ولایت بادغیس می باشند. ناگفته نماند که به دلیل بیچارگی و ناتوانی دولت مزدور، ولسوالی های متذکره از چندین ماه به این طرف زیر اداره طالبان وحشی قرار دارند.

سالانه ۴۰۰ هزار جوان وارد بازار کار افغانستان می گردند: وزارت نام نهاد «کار و امور اجتماعی» دولت مزدور می گوید که سالانه ۴۰۰ هزار جوان وارد بازار کار افغانستان می گردد و به گفته این وزارت در حال حاضر در حدود ۱.۹ میلیون بیکار در کشور وجود دارد و اگر برای این مشکل راه حل جست و جو نگردد، تا پنج سال آینده جمعیت بیکار افغانستان به ۵ میلیون نفر می رسد و بر اساس آمار بانک غارتگر جهانی میزان بیکار در افغانستان ۲۲.۴ درصد می باشد.

حداقل در ۱۰ سال گذشته، هیچ برنامه کاریابی و یا پروژه های بزرگی راه اندازی نگردیده تا زمینه کار را برای جمع کثیری از کسانی که در جست و جوی کار اند، فراهم نمایند. پس با یک محاسبه ساده اگر هر سال ۴۰۰ هزار جوان به بازار کار افغانستان اضافه گردد و از جانب دیگر در ۱۰ سال گذشته هیچ برنامه کاریابی وسیعی جهت جذب نیروی کار نیز راه اندازی نگردیده باشد، بسادگی در می یابیم که در حال حاضر ۴ میلیون نفر در بیکاری به سر می برند. از

جانب دیگر احصائیه ها نشان می دهد که بیشتر از ۳ میلیون انسان به دلیل فقر، بیکاری، وضعیت بد امنیتی، مشکلات اجتماعی و مصیبت های که از سوی استعمارگران، دولت مزدور و گروه های تروریستی بر آنها وارد گردیده، به مواد مخدر رو آورده و بعد از این توان کار کردن را ندارند، فلذا اگر این جمع را نیز با بیکاران علاوه نمائیم، تعداد افراد بیکار به ۷ میلیون انسان می رسند.

در صورتی که نفوس افغانستان ۳۰ میلیون انسان باشد و در خوشبینانه ترین حالت از این تعداد، ۱۵ میلیون آن واجد شرایط کار باشند و با محاسبه ای که در بالا کردیم، ۷ میلیون بیکار داشته باشیم، اگر نرخ بیکاری را به اساس در صد محاسبه کنیم در واقع در حدود ۴۷ درصد نیروی کار ما در بیکاری به سر می برند.

یادداشت:

این درست است که عناصری از قماش "عطاء" و "دوستم" و امثال آنها جرأت ایستادگی در مقابل خواست اشغالگران را ندارند، مگر این را هم نباید فراموش کرد که قلاده تمام این مزدوران اجنبی به دست یک دولت خارجی نیست تا همه را در یک صف و یک سمت به حرکت درآورد. بلکه رول تمام قدرت های امپریالیستی دور و نزدیک و قدرت های منطقه در جذب و هدایت آنها، باعث می گردد تا آنها نیز متناسب با تشدید تضاد بین باداران شان به جان هم افتاده، یکی مانع تحقق پلان دیگری بگردند.

از جمله در رابطه با "پروژه داعش" در شمال افغانستان که امپریالیزم امریکا و انگلیس با تمام قواء می کوشند آن را متحقق سازند، می دانیم که روسها و چینی ها با تمام قواء با این پروژه مخالف می باشند. از همین رو بادر نظر داشت تعلقات مزدورمنشانه "عطاء"، "دوستم" و "محقق" به کشور های روسیه، ترکیه و ایران، نمی توان ادعا کرد که آنها در تقابل با پروژه داعش قرار ندارند.

اداره پورتال AA-AA